

در حاشیه اخبار و رویدادهای سیاسی روز ایران

هلمت احمدیان

در آستانه "انتخابات"!

در روزهای اخیر موضوعاتی در بین گرایش‌ها و جناح‌های درون حاکمیت برجسته گشته اند که علیرغم ظاهر متناقض آنها، تلاش برای همگرایی و شکل دادن حاکمیتی متناسب با اوضاع و احوال سیاسی برای بقای جمهوری اسلامی در آنها متبلور است. "انتخابات ۸۰" ظاهراً هدف و محور این نکات است. هنوز کسی بجز فلاحيان، سرشناس‌ترین مهره ترور و جنایت رژیم وارد گود "انتخابات" نشده است. بحران جامعه، هویت حاکمه را با بحران بیشتری در تجدید آرایش درون خود روبرو کرده است. خاتمی برای حاکمیت، هنوز نقطه ثقل "انتخابات" است. در سیر اوضاع بعد از "انتخابات" مجلس ششم، حرف اول را ولایت فقیه، شورای نگهبان و قوه قضائیه اش زده است. ذلالت و بی‌خاصیتی طرفداران «مدنیت» و «توسعه سیاسی» در حاکمیت، با اراجیفی همچون «آرامش فعال» و «مقاومت مدنی» بیشتر از هر زمانی آشکار شده و آنها را تجزیه و در مقابل استعفای دسته جمعی از مجلس (رونامه رسالت - ۷ اسفند) یا تمکین کامل به جناح مقابل قرار داده است.

نوع حملاتی که تا مدتی پیش در انحصار حسنی امام جمعه اورمیه بود این روزها سنگوگان بیشتری در حمله به خاتمی پیدا کرده است. پس از حملات «هفته نامه فیضیه» مبنی بر ماکیاول نامیدن خاتمی و بدتر دانستن او از رضا شاه برای اسلام، «روزنامه رسالت» وابسته به جمعیت موفقه اسلامی نیز دوره ریاست جمهوری خاتمی را، دوره ای مضر برای اسلام و حکومت اسلامی نام برد. مصباح یزدی، «شهادت طلبی روحانیت را در شرایط کنونی در مقابله با هرگونه تلاش دشمنان برای تضعیف ارزش‌های اسلامی»، دوباره یادآوری کرد. محمد رضا فاکر، نماینده محافظه کاران از مشهد در مجلس پنجم به بهانه بهم خوردن جلسه سخنرانی خاتمی در قم خود او را مقصر دانسته و اظهار داشت که: «او با این سخنرانی و حرف‌ها وجودش برای انقلاب مشکل شده است».

اما علیرغم اظهارات "افراطی" فوق، سران محافظه کاران می‌دانند که وجود خاتمی نه مشکل، بلکه "موهبتی" در مقطع کنونی برای سرپانگه داشتن جمهوری جهل و جنایت این جنابان است. پیدا شدن فضا برای "بخت آزمایی" عنصر منفوری همچون فلاحيان برای کاندید شدن و حملات افراطی این روزها علیه این «سید خنده روی» حکومت اسلامی، گرد و خاکی است که در آن قاعدتا باید آلترناتیو عقلای قوم، خود را برای رویارویی با اوضاع آتی، در آن پیدا کند.

هر چند تعریف و تمجید خاتمی از کسانی همچون لاجوردی جلاذ اوین بعد از مرگش و رفسنجانی در مقطع انتخابات مجلس ششم، راقبلاهم از اوشنیده‌ایم. اما در اوضاع کنونی که رفسنجانی به پشت صحنه خزیده، بیان این تمجید از طرف خاتمی امری تصادفی نیست. این مسئله، پیام سیاسی و چراغ سبزی را رو به "عقلای" جناح مقابل در خود دارد.

محافظه کاران نیز، در ضمن اینکه به روایات افراطی ذکر شده در بالا برای فشار به خاتمی و «اصلاح طلبان» گرد آمده بدور او نیاز دارند، علیرغم اینکه هیولایی همچون فلاحيان را برای "بخت آزمایی" به جلو صحنه می‌فرستند، مسئله اصلی‌شان پایین آوردن بیشتر نرخ این «سید خوش رو» و آن درجه از صفحه ۲

۸ مارس روز جهانی زن

بر همه زنان کارگر و زحمتکش، بر همه زنان مبارزی که سنگرهای نبرد برای رهایی را در کوچه و خیابان و در زندانهای جمهوری اسلامی آکنده از طنین مبارزه و مقاومتشان کرده‌اند، بر همه زنانی که بر علیه حجاب اجباری و مجموعه قوانین آپارتایدی و زن ستیزانه جمهوری اسلامی در ستیزند، بر همه انسانهای آزاده طرفدار لغو هرگونه ستم و تبعیض طبقاتی و

جنسی

جهان امروز صفحاتی از این شماره را به روز جهانی زن اختصاص داده است.



پرسش جهان امروز از چند تن فعال جنبش زنان

به نظر شما جنبش زنان در بطن اوضاع و شرایط سیاسی کنونی ایران چگونه و حول چه شعار و سیاستی در مقابله با آپارتاید جنسی و سیاست های زن ستیزانه جمهوری اسلامی می تواند گامهای موثری در راه احقاق حقوق خود بردارد و پیام شما از تریبون ۸ مارس بعنوان یک فعال این جنبش چیست؟

صفحه ۵

پیکار برای آزادی زنان!

صفحه ۴

۸ مارس، تاکید مجدد بر یک آموخته تاریخی

صفحه ۴

دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهشهای زنان ایرانی زنان ایرانی در داخل و خارج کشور: چه باید کرد؟

۱۵ تا ۱۷ ژوئن ۲۰۰۱ استکهلم سوئد

اطلاعات بیشتر: Tel/Fax: 46-8-411-7855

Email: haiedeh@kvinnet.org

گزارش برگزاری کرامیداشت روز کومهله

صفحه ۸

خاتمی، در پایان خطی که جمهوری اسلامی

بر آن ایستاده است!

صفحه ۲



در حاشیه اخبار و ++



نیروی است که به هر روز هنوز به نفشان است به خاتمی خوشبین بمانند. به این اعتبار و همچنین به اعتبار وحشی که محافظه کاران در این شرایط در متکی کردن یکجانبه رژیمشان به سرکوب عریان و خشن در مصاف با مردم دارند هنوز از وجود خاتمی بی نیاز نگشته اند.

آنها در اوج بگیر و ببند و فشار بیشتر برای به تعطیل کشاندن آخرین نشریات بازمانده «دوم خردادی» و فشارهای روزهای اخیر به «جبهه متحد دانشجویی» و وادار کردن بیشتر آنها به سکوت و تمکین، هنوز هوای کار را در دست دارند و همه درها را به یکجا بسته اند.

پیام ملائمی که اخیرا خامنه ای در اوج فشار، سرکوب و بی خاصیت تر کردن مجلس، - مجلسی که در آن «دوم خردادیه» اکثریت دارند - داده و در آن از نمایندگان مجلس خواسته که بجای حوزه سیاست به حوزه اقتصاد معطوف گردند و همکاری و هماهنگی با ارکان دیگر حاکمیت و تلاش برای حفظ آرامش در جامعه داشته باشند، را می توان از نوع همان پیام نهفته در تجلیل «بی موقع» خاتمی از «شناسنامه و کارنامه جمهوری اسلامی» یعنی رفسنجانی دید.

تلاش اخیر نمایندگان گروه های گردآمده در «همایش احزاب و گروه های جبهه دوم خرداد» کوششی از طرف آنهاست که به «نیابت از طرف مردم» می خواهند با صلوات دوباره خاتمی را به جلو صحنه «انتخابات» برانند. امری که جناح مقابل هم مخالفتی با آن ندارد، چرا که در شرایط فعلی سپری مناسبتر از او، در برابر خشم و نفرت فزاینده توده ای که نمایشات انتخاباتی و بده بستانه های جناح های حکومتی برایشان بیشتر از هر زمانی زیر سؤال رفته، ندارند.

آنچه همه این معادلات و معاملات ننگین جناحها و سران رژیم را برهم خواهد زد، حضور مستقل مردم و پیشاپیش آنها کارگران و تهیدستان جامعه ایران در رویدادهای آتی سیاسی است.

جایگاه حجاب اسلامی بهنگام دستگیرشدن!

«مردان مسلحی که برای بازداشت فریبا دادودی (مسئول روابط عمومی روزنامه همبستگی) به خشونت و اجبار متوسل شده اند. چادر او را از سر وی پایین کشیده اند و او را در میان دو لنگه در منزل تحت فشار قرار داده اند. نامحرمان به کاوش در اتاق خواب وی و دخترش پرداخته اند. آیا چنین اقدامی علیه یک زن مسلمان تاسف بارتر است یا پایین خیزدن روسری یکی دو زن غیرمسلمان در کنفرانس بین المللی؟ (اشاره به افتادن روسری خانم های خارجی در کنفرانس سازمانهای غیر دولتی در تهران که روزنامه کیهان تصویر آن را در صفحه اول چاپ کرد).

«اعتراض» فوق را فاطمه حقیقتجو نماینده مجلس در سخنان خود بتاریخ ۷ اسفند بیان داشت. منظور اصلی او از این سخنان، طبعاً «مقابله» با فشار و بگیر و ببندهایی است که قوه قضائیه بر علیه «دوم خردادیه» پیش می برد. ولی «اعتراض» او به عنوان زنی از فراکسیون «اصلاح طلب» مجلس با تاکید و فرض گرفتن ارتجاعی ترین جنبه های تحقیر زن استوار است. در «ضد حمله» او نکاتی همچون: «پایین کشیدن افتادن چادر در هنگام دستگیری»، «تفتیش اتاق خواب از طرف نامحرمان»، «مقایسه کردن آن با پایین خیزدن روسری از سر دو زن خارجی غیر مسلمان» آنچنان برجسته است که جایی برای موضوع اصلی تر یعنی اعتراض به نفس دستگیری از طرف جناح مقابل باقی نمی گذارد. به نظر می رسد پیشتانازان اسکی و دوچرخه سواری زنان با حجاب اسلامی، به هنگام دستگیرشدن و کتک خوردن هم، تعهدشان را به حجاب از یاد نمی برند. از «مقاومت مدنی» مدافعین «جامعه مدنی» انتظار دفاعی «آتشین تر» از این جایز نیست.

با ارسال خبر و گزارش،
نظر و پیشنهادات
طرح و عکس،
به انتشار پربارتر جهان امروز
کمک کنید.

خاتمی، در پایان خطی که جمهوری اسلامی بر آن ایستاده است!

رشید رزاقی
پافشاری و اصرار هواداران اصلاحگرای رژیم جمهوری اسلامی بر خاتمی برای اعلام نامزدی خود برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۰ افزون میباید و این امر با بازارگرایی و ادعای اینکه پیوستگی و تداوم اصلاحات مشروط به شرکت و انتخاب مجدد وی بر ریاست جمهوری است همراه است! خاتمی هم اینک مترصد سنجش افکار عمومی و میزان استقبال مردمی نسبت به انتخاب مجددش نشسته است! و منتظر است تا نتایج طرحهای دست اندرکاران امنیتی مسئول صحنه گردانیهای سیاسی نظام را موشکافی کند و تصمیم نهائی خود را اتخاذ نماید. بگفته مفسران بورژوا، او این روزها سخنانش را رادیکال کرده است! تا نشان دهد می شود روحیه تسامح و تساهل، را تند و خشن تر کرد و اصلاحات تدریجی و کند، را شتاب و سرعت بخشید. چنین پز و ژستی در محافل پیرامونی اینگونه تعبیر میشود که احتمالاً تمایل و نگرش درونی «جبهه دوم خرداد» دگرگون شده و تغییر و اصلاحات به سبک روسی بر نوع چینی غلبه یافته است!

اگر از مبنا و میزان «اعتبار» این تلقیات بگذریم، عملکرد خاتمی و التزام وی به ولایت فقیه و ایدئولوژی اسلامی، اصلاحات ناکرده و ناشدنی مورد ادعای وی نه تنها برای توده مردمی که بدان دلخوش نبودند، بلکه برای شیفتگان و هواخواهان برون گروهی، عطیه حکومتی باور برانگیز نیست و آهنگ این «رادیکالیزه» شدن او برای رأی دهندگان معتبر نیست. در سطح دول غربی نیز بی ثباتی نسبت به نامزدی خاتمی مشهود است. آنها پروژه های اعتبار بخشی مجدد به

شخصیت خاتمی را در پیش گرفته اند، تا با دستاویز قراردادن وی، افکار عمومی کشورهای خود را به ادامه ارتباط و مرادده اقتصادی با جمهوری اسلامی توجیه نمایند و بدینوسیله به دست اندازی خود در بازار ایران ادامه دهند و از امتیاز گیریهای بیدریغ از رژیم اسلامی بهره وافر ببرند.

از چشم افکار عمومی جهانی این حکومت ناقض حقوق بشر و پایمال کننده آزادیهای اولیه انسانی است، لذا آن را منفور و شایسته ارتباط و همکاری نمیدانند. سفر نخست وزیر ایتالیا تحت فشار احزاب و پارلمان آن کشور بچند ساعت کاهش یافت. سفر هیأت پارلمانی آلمان که رئیس آن بگونه ای مزورانه خاتمی را بعنوان یکی از مفاخرین جهان بسبب پیشنهاد دیالوگ بین فرهنگها به سازمان ملل معرفی کرد! پرده ساتری است بر اعمال رژیم و بزک کردن چهره آن با پودر اصلاحات تا با واژگونه کردن حقایق، هم بر داخل تاثیر بگذارند و هم منافع خویش را متحقق نمایند.

پته اصلاحگرایان نظام اسلامی در عرض چهار سال گذشته بخصوص از بعد از تشکیل مجلس ششم که «فتح الکبیر» شان بحساب می آمد و خامنه ای با یک کلام قدرتش را ذوب کرد، بتمامی رو شده است! در این مدت «اصلاح طلبان» یا همان جناح چپ رژیم، کالای خود را دو سویه عرضه میکردند. از سنتگرایان تسهیم در قدرت را میطلبیدند و به آنها گوشزد میکردند که اگر بما فرصت داده نشود کل نظام در معرض واژگونی است و از سوی دیگر از مردم پشتیبانی میخواستند تا ضمن کسب مشروعیت توده ای، «مبارزه» امن و بی خطر با استبداد و تحجر را در انحصار خویش و نیروی آنرا تنها در شأن و موجودیت خود جلوه دهند. اما هر آنچه آرزویشان بود دو سویه باناکامی مواجه گشت. بخصوص که خصائص و پیشینه آنها در حافظه مردم ماندگار و فراموش ناشدنی است.

«اصلاحگرایان» کنونی که از اوایل انقلاب و جنگ ۸ ساله قدرت را در دست داشتند، خود سمبل و نماد





استبداد و افراطی گری مذهبی بشمار میرفتند و در واقع جناح راست را باید میراث دار آنها محسوب کرد. همان سیاستها و مواضعی که هم اینک جناح "چپ" بمخالفت آنها برخاسته است، خود مبدع آنها و یا در آن شریک بوده اند.

سپر دفاعی راستها که موفق بکنار زدن "چپها" شد، تعدادی از آنها را بر آن داشت که روانه دانشگاهها شوند و با کسب مدارک عالیه راهبردی برای معضل تخصص-ایمان بیابند و کمبود مدیران مؤمن به نظام را جبران کنند. آنها با آشنا شدن به مضامین و بحثهای دانشگاهی در زمینه های توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دریافتند که جمهوری اسلامی با خط مشی و شیوه و سیاستی که در پیش گرفته است سرانجامی جز انقراض در پیش رو ندارد. لذا ضرورت اصلاحات در ساختار حکومتی و در "جامعه سیاسی خودی" را ناگزیر دیدند. بهمین دلیل "دموکراسی" اسلامی و مردم سالاری درمحدوده "خودیها" و وفاداران به نظام توأم با بزک کردن فلسفه اسلامی با نیولیبرالیسم مارگرت تاچر را علم کردند تا بدینگونه خود را با دنیای امروزی آشتی و وفق دهند. هر دو جناح رژیم برآمده از یک پیکر با ایدئولوژی واحداند. آنها در کلیت و ذات خویش خود ویژگی و خصلتهائی را جدا از حرکتشان در چهارچوب یک نظام سرمایه داری و ملتزم به حفظ روابط و مناسبات مبتنی بر مالکیت خصوصی در شکل و قالب حکومتی خاص بروز دادند که فقط بر متن یک دیکتاتوری تمام عیار فاشیستی خوانائی و انطباق دارد. این عنوان صرفاً از سر احساس و روانشناسانه و یا با تأکید بر روحیه شخصیتی نخبگان و اداره کنندگان نظام جمهوری اسلامی و یا بر مبنای دلایل ایدئولوژیکی اطلاق نمیگردد، بلکه براساس تحلیل طبقاتی و بررسی مبنای جامعه شناختی، اجتماعی گروهی که حاکمیت را قبضه کرده اند قابل توضیح است. رهبران جمهوری اسلامی با توجه به سلسله مراتب مذهبی شان که

پایگاهی در سازمان تولید نداشتند و از قبل فطریه و زکات و سهم امام و حقوق مرجع و... می زیستند! از آنجائیکه با انکشاف سرمایه داری در ایران و گسترش افکار نو و مارکسیستی، دین را در معرض انهدام و نابودی میدیدند و پایه های زندگی طفیلی گرانه شان روز بروز سست تر میشد، با تمسک به اندیشه ضدغربی و ضدکمونیستی، جنبشی مذهبی و با ایدئولوژی مختص بخود را با پشتوانه گروههای فشار تدارک دیدند که در جریان انقلاب ۵۷ با یاری و دخالت عوامل دیگر سایر جریانات سیاسی و جنبش کارگری را کنار زده و قدرت را بدست گرفتند. از آنجائیکه خصوصیات طبقات میانه حال اجتماعی خصلت نمای این جنبش مذهبی بود، آنها با شعارهای توهم آمیز، توده های فاقد خودآگاهی طبقاتی را بدور خود جمع نمودند، بورژوازی ملی و لیبرال را از قدرت دور کردند، سازمانها و تشکلهای صنفی، سیاسی وابسته به کارگران و جریانات کارگری را سرکوب و محو نمودند. سطح دستمزد و معیشت کارگران را در پائین ترین سطح ممکن نگاه داشتند، سیاست خارجی تجاوزگرانه بمنظور اسلامی کردن حکومتهای ممالک دیگر را دنبال کردند و با بهره گیری از ایدئولوژی اسلامی که ولایت فقیه در مرکز آن قرار داشت کلیت "امت اسلامی" را با کلید رمز "وحدت کلمه" در مقابل طبقات اجتماعی بمنظور امحاء کشمکش و ستیز طبقاتی در برنامه خود قرار دادند. بدین ترتیب با جدائی قدرت اجرایی از جامعه مدنی و از قدرت اقتصادی برخاسته از طبقات اجتماعی و تقسیم جامعه به "خودی" و "غیر خودی" و تسلط بر اقتصاد ملی بوسیله دولتی کردن موسسات و منابع تولیدی، شکل حکومتی را سامان دادند که فقط در شمایل دیکتاتوری فاشیستی می توانست سر پا بماند.

پذیرش اصلاحات برای جمهوری اسلامی با ساختاری فاشیستی برای جمهوری اسلامی تیشه به ریشه خود زدن است مگر آنکه در مقابل یک انقلاب و خیزش مردمی قرار گیرد. در آنصورت حاضر به زیر پا گذاشتن و رویگردانی از برنامه هایش خواهد بود؛ اما هیچگاه حاضر به فداکردن

ایدئولوژی اش نمیشود.

خاتمی آهنگ "اصلاحاتش" را برای کارگران، توده های مردمی، زنان فاقد حقوق شهروندی و جوانان جویای زندگی اقلیت های ملی و مذهبی در سر گشاد سرنا میدمد و برای بورژوازی لیبرال که تا حدی اعتماد و اتکاء به نفس خود را باز یافته و در واهمه فرو ریزی نظام داعیه مشارکت در قدرت سیاسی را دارد در دهلی طنین میاندازد که آنها برای او «صدایش از دور خوشایند است» و عایدی اندک خواهد داشت. مضمون واقعی "اصلاحات" جز مناقشه درون گروهی فاشیستی بر سر منافع خاص خود نیست و لذا تا زمانی که فشار پنجه دست انقلاب بر گلولی

کوشه هایی از اعتراضات کارگری

۲ اسفند: اجتماع صدها تن از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی چیت ری در اعتراض به تعویق و عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و مزایانشان. این کارگران اعلام کرده تا تحقق مطالبات خود به اعتراض و تحصن خواهند داد. ۳ اسفند: طومار اعتراضی ۲۰۰ تن از کارگران سد سلمان فارس در اعتراض به موقع حقوق کارگران و عدم استفاده از نیروهای بومی.



این چندمین بار است که کارگران سد سلمان فارس در چند ماه اخیر برای خواست های خود اعتراض و مبارزه کرده اند.

۳ اسفند: تجمع اعتراضی کارگران شهرداری تهران در مقابل ساختمان «حزب اسلامی رفاه کار».

- «جهان امروز» تنها مطالبی را چاپ می کند که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد.

- استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

- مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

- مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تاپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه آ ۴ با سایز ۱۶ می باشد.

جهان امروز

سیاسی، خبری

۱۵ روز یکبار منتشر می شود.

سردبیر:

هلمت احمدیان

هزینه انتشار جهان امروز بعهده اسپانسرهای نشریه و کمک مالی دوستان و خوانندگان آن است. هزینه اشتراک تنها معادل هزینه پست نشریه است.

می توانید با قید اینکه چند شماره نشریه را می خواهید آبنمان شوید، مبلغ معادل هزینه پستی را به حساب زیر واریز کرده و قبض پرداخت آن را به آدرس جهان امروز ارسال دارید.

حساب بانکی جهان امروز
S-E Banken
F-S
53682990054

کمک مالی از آلمان
به جهان امروز
علی ۵۰ مارک
هلمت ۲۰۰ مارک
اسماعیل ۱۰ مارک

اگر مایلید جهان امروز را طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.
ha@cpiran.org

توران عازم

۸ مارس، تاکید مجدد بر یک آموخته تاریخی

مردسالاری را در تجاوزی تازه به حقوق زنان بازتر گذاشتند.

زن‌ستیزی، ویژه جمهوری اسلامی و جناح‌های درون و بیرونش نیست و طبیعتاً با سرنگونی این رژیم نیز خاتمه نمی‌گیرد. زن‌ستیزی یک پدیده جهانی است که بدلیل قدمت تاریخی، در فرهنگ، عادات و سنن جوامع نفوذ کرده و به یک نرم و ارزش اخلاقی بدل شده که همچون فسیل، سالها و قرن‌ها - بی توجه به تغییرات و حتی انقلابات اقتصادی و اجتماعی - ارزشهایی را که حاملش بوده، منتقل کرده‌است.

بگمانم، تاکید بر این واقعیت، راه را برای همبستگی زنان ایران با زنان سایر نقاط جهان هموارتر می‌کند؛ درک شان را از ستم جنسی ارتقا می‌دهد؛ نیروی‌شان را از مبارزه صرف برای جابجایی قدرت سیاسی، به عرصه‌های دیگر و وسیع‌تر می‌کشد؛ اراده‌شان را برای مبارزه پیگیر با سنن، عادات و فرهنگ مسلط و زن‌ستیز مصمم‌تر می‌کند؛ راه را بر سوءاستفاده دوره‌ای اصلاح‌طلبان داخلی از آرای زنان می‌بندد و خلاصه، دامنه و ابعاد انتظارات زنان، از نیروهای اپوزیسیون را تعمیق می‌بخشد.

۲ مارس ۲۰۰۱



زنان جهان و ایران نیز - بیگمان - در گرو تلاش و مبارزه‌ای است که برای تغییر ساختار امروز و ترسیم سیمای فردا بکار می‌گیرند. واقعیت این است که اگر زنان به نیروی خود آگاه شوند و سهم‌شان را در تولید و توزیع ثروت اجتماعی و بالندگی فرهنگی و انسانی جوامع پیرامونشان بازشناسند و نارضایتی و اعتراض‌شان را در اشکال متشکل‌تر و جهانشمول‌تری سازمان دهند، قادر خواهند بود که فردای روشنتری بیافرینند.

شاید این جملات «شعار» جلوه کنند. اما این درسی است که از تاریخ مبارزات زنان جهان، آموخته ایم. از گذشته‌های دور، از روزی که تقسیم‌کار مبتنی بر جنسیت شکل گرفت و مالکیت خصوصی رسمیت یافت، تفویض نقش درجه دوم به زن، بخش لاینفکی از سیاستها و عملکردهای رژیمهای حامی طبقات دارا بوده است. هر کجا و هر زمان که زنان توانستند علیه کارکردهای زن ستیزانه رژیمها - متشکل و متحد - بایستند، برگ پرافتخاری به تاریخ جنبش برابری‌طلبانه افزودند و هر کجا که اسیر پراکندگی، یاس، سردرگمی و انفعال شدند، دست

خودسوزی، خودکشی، تن‌فروشی، اعتیاد، افسردگی، بازداشت و دستگیری زنان، آنهم به بهانه‌های مختلف، تصویر روشنی از دامنه تهاجمات روزافزون مردسالاری، به هویت انسانی زنان ارائه می‌دهند.

زنان در برهه‌ای از تاریخ برای اثبات «انسان» بودن خود و احقاق حقوق‌شان می‌جنگند که تاریخ‌نگاران مذكر آن را دوره رشد علم و تکنولوژی و بلوغ فکری و بالندگی انسان نامیده‌اند!! که بیگمان این ادعا، شرم‌آورترین طنز تاریخ معاصر است. اما تلاش سرمایه برای فرو دست نگه داشتن زنان و بهره‌کشی از رنج فزاینده‌شان تا به امروز موفقیت‌آمیز بوده چرا که از پشتیبانی بلاشرط قانون، فرهنگ، سنت، مذهب و منابع مالی، نظامی و علمی برخوردار بوده‌است.

اراده و عزم راسخ زنان - تاریخی - تنها مانع جدی و بازدارنده بر سر راه توسعه‌طلبی‌ها، تجاوزگریها و فزونی‌خواهی‌های سرمایه مردسالار بوده‌است. کلیه دستاوردهای زنان - تا به امروز - حاصل همین مقابله و مبارزه بوده است. موقعیت فردای

۸ مارس، روز تجدید پیمان زنان برای به زیر کشیدن مردسالاری و لغو کلیه اشکال و جلوه‌های نابرابری جنسیتی است. در این روز خاص، زنان به تبادیل نظر و تجربه می‌نشینند؛ خاطرات تلخ و شیرین‌شان را در قالب‌های هنری - از جمله شعر، تئاتر و رقص - برای یکدیگر بازگو می‌کنند؛ پسرقت‌ها و پیشرفت‌هایشان را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند و بالاخره، صف مبارزه‌شان را بمنظور تغییر مناسبات مردسالارانه و مقابله با تهاجم‌های آتی سرمایه مردسالار سازماندهی می‌کنند. دهه هاست که ۸ مارس با چنین سنتی تداعی شده‌است.

امسال، زنان جهان فقیر در شرایطی به پیشواز ۸ مارس می‌روند که بنا به آمارهای منابع خبری، اصلی‌ترین قربانیان فقر، جنگ، جهل، بیماری، سوءتغذیه، تجاوز، خشونت، بیکاری، سیل، زلزله، مهاجرت‌های اجباری، تجارت سکس، فشارهای اجتماعی، تهاجمات فرهنگی و تظلمات سیاسی و مذهبی بوده‌اند. زنان ایران نیز از این همه نکت و بی‌حقوقی بی‌نصیب نبوده‌اند. مراجعه به آمارهای بیکاری،

فراست صالحی

پیکار برای آزادی زنان!

مارس همانسال کارگران زن بافنده سوزنی با خواست ممنوعیت کار کودکان و کسب حق رای در نیویورک دست به تظاهرات زدند. در کنگره بین الملل سوسیالیست که سال ۱۹۱۰ در کپنهاگ برگزار شد کلارازتکین این روز به عنوان روز جهانی زنان به کنگره بین المللی سوسیاست زنان پیشنهاد شد و از سال ۱۹۱۰ این روز با جهت‌گیری رادیکال سوسیالیستی خود رسمیت یافته و گرامی داشته می‌شود. از آژمان این روز به سنتی عزیز و گرامی در میان زنان و مردان آزاده و انقلابی تبدیل گشت که هر ساله وسیعاً از طرف همه انسانهای طرفدار

در روز ۸ مارس ۱۸۵۸ زنان کارگر پارچه بافی نیویورک برای اعتراض به شرایط کار و پایین بودن دستمزدها و همچنین ساعات کار طولانی به خیابانها ریختند، این حرکت به درگیری قهر آمیز با پلیس انجامید و وحشیانه سرکوب شد. شروع این جنبش با منشاء کارگری طی سالیان بعد نوسانات زیادی را طی کرد. روز ۸ مارس ۱۹۰۷ زنان نساج آمریکا مجدداً با خواست ۱۰ ساعت کار روزانه دست به تظاهرات زدند که این بار هم تظاهرات آنها با سرکوب روبرو گردید. سال ۱۹۰۸ حزب سوسیالیست آمریکا به تشکیل کمیته ملی زنان برای کمپین حق رای اقدام کرد و در ۸

کامل تساوی حقوق زن و مرد بر سر راه آنها نیز بوجود آمده است. اکنون در اوایل قرن بیست و یکم هنوز شاهد خشونت شدید علیه زنان به شیوه‌های غیرانسانی از طرف جامعه مردسالار که ارمغان جامعه سرمایه‌داری است هستیم. هر روز شاهدیم که زنان زیادی در این رابطه مورد وحشیانه‌ترین رفتارهای غیرانسانی، تجاوز و بی‌حرمتی‌های بیشمار واقع می‌شوند. شمار زیادی از زنان بجرم اینکه به فرهنگ و سنت‌های عقب مانده تمکین نمی‌کنند مورد خشونت و اذیت و آزار قرار می‌گیرند. زنان جدا از کار در بیرون از خانه مسئولیت کار در خانه را هم بعهده دارند و حقوق و مزایای آنان در سطح پایین‌تر از مردان قرار دارد. خاصیت دو نیمه کردن جامعه بر





حسب جنسیت برای سرمایه داران جلوگیری از اتحاد و یکپارچگی زنان و مردان کارگر علیه نظام موجود است. این نظام مردان را وسیله اعمال خشونت بر زنان قرار داده، مذهب و فرهنگ مردسالاری را در خدمت وضع موجود به خدمت گرفته تا ستم و استثمار بر بشریت را بیشتر کند. امروزه غالب نیروهای دولتی و نیروهای بورژوازی دم از حقوق زنان زده و می‌کوشند تا توده زنان را به دور پلاتفرم و برنامه های لیبرالی خود گرد آورده و مبارزات راستین زنان را به انحراف بکشانند. از آنجا که ریشه های تبعیض بر زنان معلول خود جامعه سرمایه داری است. این

جریانات نمی‌توانند مدافعین آزادی زنان باشند.

جنبش زنان برای مقابله موثر با این ادامه این روند و برای اینکه از پراکندگی و سردرگمی در برابر نیروهای فرصت طلب بیرون آید نیازمند تشکلهای مستقل توده‌ای است. نیازمند پلاتفرم و برنامه عملی مشخص توسط پیشروان جنبش زنان است.

۸ مارس بیانگر مبارزه، اعتراض و خشم تمامی زنان ستمدیده و انسانهای آزاده جهان به نظامی است که در آن نیمی از بشریت بخاطر زن بودنشان مورد تبعیض و ستم قرار می‌گیرند. آنچه امروز تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بر زنان در ایران می‌گذرد تنها با شرایط قرون وسطایی قابل مقایسه

است. اذیت و آزار و خشونت بر زنان بجرم آزادی‌خواهی و تمکین نکردن بر چهل و خرافه روی آنان سنگینی می‌کند. زنان دیگر فریب وعده و وعیدهای رژیم را نمی‌خورند و نمی‌خواهند پیرو فاطمه زهرا باشند. بلکه با دنیای علم و دانش و پیشرفت بشری در ارتباط با هم‌نوعان و هم‌سروشان خود بسوی اتحادی بزرگ رفته تا بساط این نظام کهن را براندازند. جنبش زنان دوش بدوش مردان برای رهایی قطعی و لغو قوانین ارتجاعی و زن ستیزانه و برقراری سنت های جدید و انسانی در راه ایجاد جنبش مستقل و حرکت های انقلابی بهترین سلاح و مدافع زنان می باشد.

امروز در مراسم های هشتم مارس باید هرچه بیشتر صدایمان را علیه این اسارت و بردگی علیه زنان در ایران از تریبون های این روز رساتر نموده و این عاملان آپارتاید جنس را رسوا نمائیم. زنان و مردان آزادیخواه! همگام و همسو در ۸ مارس روز جهانی زن تجدید عهد کنیم که با تلاش و پیکار بی وقفه خود در راه برچیدن همه موانع و سنن و قوانین ارتجاعی و زن ستیزانه به مبارزه خود ادامه داده و این امر را با تلاش برای متحد و متشکل کردن صفوف خود پیش ببریم. ۳مارس ۲۰۰۱



جهان امروز بمناسبت روز جهانی زن، سؤال زیر را برای چند تن از فعالین جنبش زنان ارسال داشته که در زیر پاسخ های رسیده را ملاحظه می کنید:

جهان امروز: به نظر شما جنبش زنان در بطن اوضاع و شرایط سیاسی کنونی ایران چگونه و حول چه شعار و سیاستی در مقابله با آپارتاید جنسی و سیاست های زن ستیزانه جمهوری اسلامی می تواند گامهای موثری در راه احقاق حقوق خود بردارد و پیام شما از تریبون ۸ مارس بعنوان یک فعال این جنبش چیست؟

شهین حیدری:

با توجه به روند جریانات دو دهه اخیر در رابطه با اوضاع سیاسی، اجتماعی در جهان و در اکثر کشورهای اروپایی و آسیایی از جمله کشورهای جهان سوم و بطور ویژه در ایران بی حقوقی زنان سیری رو به رشد داشته است. افکار عمومی در کشورهای اروپایی از طریق برگزاری سیمنارها و کنفرانس‌های مربوط به مسائل زنان (کنفرانس پکن، کنفرانس بنیاد پژوهشگران - که بطور سالانه از ۱۱ سال پیش برگزار می‌شود، راهپیمایی بروکسل و غیره...) و نشر و انتشار آثار و مقالات متعدد در رابطه با مساله زنان، امر حقوق زنان را بعنوان یک مساله جهانی که باید مورد

توجه ویژه قرار گیرد، برجسته کرده است. هرچند که تا زمان تشکیل جنبش مستقل زنان هنوز فاصله داریم، ولی بنظر من مبارزات زنان در جهان، این مسیر را طی می‌کند.

همانگونه که میدانیم در ایران و کشورهای اسلامی تعرض به حقوق انسانی زنان در حدی بوده و هست که از تحمل هر فرد آزاداندیشی خارج است. زن در جامعه ایران موجودی تلقی می‌شود که بدلیل جنسیت در رابطه با مرد تعریف می‌گردد و بخودی خود جنس دوم شناخته می‌شود. وجود تاکسی زنانه، اتوبوس زنانه و مردانه، اخیرا زمزمه کلاس های دانشگاهی زنانه و مردانه و بیمارستان و خدمات زنانه و غیره گویای این



مساله است. (خوشبختانه هنوز موفق به عملی کردن این بند آخر نشده اند).

در جامعه ایران، زن از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم بوده و هست. زن باید در گرمای پنجاه درجه موی سر خود را بپوشاند تا مرد متسوجب گناه نشود! زن باید از دیدن فرزند و جگرگوشه اش محروم شود، زیرا بهر دلیل نخواستار رابطه زناشویی ناموفق خود را حفظ کند. دهها و صدها

مورد محرومیت از این نوع در جوامع اسلامی برای زن ساخته شده که همه آنها تعرض و توهینی به حقوق انسانی زنان است.

و اما در مقابل، عکس العمل زنان و مردان آزاداندیش و مبارز ایرانی چگونه بوده است؟

طبق آمار، در دو دهه اخیر تعداد ۶۸۰ کتاب و مقاله توسط ۴۱۴ نویسنده در باره زنان ایران منتشر شده که تعداد ۱۵ نفر از نویسندگان این مقاله ها محققان زن ایرانی می‌باشند. ۶۰ درصد از دانشجویان دانشگاههای ایرانی بطور نسبی در حال حاضر زن هستند. چندین نشریه زنان منتشر می‌شود که ناشر و گردانندگان آن زنان و بیشتر غیروابسته به رژیم هستند.

میتوان گفت که با وجود اختناق که گلولی تک تک زنان ایرانی را میفشارد، آنان با مبارزات و عزم راسخ خود در برابر فرهنگ غالب مردسالاری بر جامعه، تلاش می‌کنند تا خود را در موقعیتی برابر با مرد (حداقل تا جایی که به خود آنها و توانایی ذهنی و فکریشان برمی‌گردد) قرار دهند.

بیشتر آنها با چنگ و دندان تلاش می‌کنند تا با افشای گندیدگی قوانین زن ستیز و سلطه نظام مردسالاری به مقابله و رودرویی برخیزند و با ارتقای سطح آگاهی و دانش خود توانایی بالقوه خود را ثابت کنند و این حکم دروغین را (که زن موجود درجه دوم است) باطل کنند. عده‌ای نیز بدلیل مبارزات علنی و رو در رویی خود با قانونگذاران و مجریان رژیم برسر انواع بی‌حقوقی راهی زندانهای رژیم می‌شوند.

عده‌ای از زنان بدلیل فقر اقتصادی و عدم آگاهی فرهنگی خود تحمل و از توان خود را از دست میدهند و از خانه فرار می‌کنند و مجبور به تن فروشی شده و یا نهایتا با خودسوزی و خودکشی خود را قربانی می‌کنند. جمعی از زنان به شرایط موجود تمکین کرده و بعنوان زنان سرزیر و مطیع و کم توقع فقط تحمل می‌کنند. خلاصه کنم آنچه مسلم است این





است که مبارزه خودبخودی و اعتراض زنان ایرانی را کسی نمی‌تواند متوقف کند، اگر چه آپاتاید جنسی و سیاستهای زن ستیزانه جمهوری اسلامی از یک سو و رفورها و عقب نشینی‌های موقتی آنها از سوی دیگر می‌تواند در پیشروی این جنبش موانعی ایجاد کند.

به نظر من با نقد پی‌گیر وضع موجود زنان در ایران، افشای زن ستیزی جمهوری اسلامی، سنگسار، حجاب اجباری و جنایاتی که رژیم جمهوری اسلامی در طول بیست سال علیه زنان ایران مرتکب شده باید در مقابل رژیم ایستاد. این بی‌حقوقی‌ها و جنایات باید به‌گوش همه جهانیان و همه انسانهایی که قلبشان از بیعدالتی بدرد می‌آید، برسد. تجاوز جنسی به دختر چهارده ساله قبل از اعدام دردی جانگذاز است. در مقابل آن نباید ساکت ماند، چون بهیچوجه و با هیچ منطقی این سکوت قابل توجیه نیست. از این صحنه‌ها بکرات در زندانهای رژیم اتفاق افتاده و می‌افتد.

مبارزه پی‌گیر و بی‌امان به اشکال مختلف و ارتقای دانش و آگاهی زنان، شناساندن قوانین زن ستیزانه جمهوری اسلامی به همگان و اعتراض و مبارزه با آن تنها راه چاره است. اتحاد و وحدت مبارزاتی زنان جهان و پاسخ انقلابی «به چه باید کرد؟» ی که در مقابل همه ماست محوری‌ترین مسئله و سؤال در مقابل ما در روز جهانی زن است. ■

روناک آشاکر:

۲۲ سالی که از حاکمیت رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی می‌گذرد، اگر از طرف رژیم با سرکوب و تحقیر و نگه داشتن زنان در موقعیت فرودست بر اساس تفکر ارتجاعی و قرون وسطایی «ناقص‌عقل» دانستن آنان همچون «جنس دوم» پیش رفته و رژیم همواره سعی کرده زنان را در درون زندان بزرگ ایران در زیر چادر و مقتنعه هم زندانی کند و لیکن به موازات این، از طرف زنان مبارزه بر علیه این آپارتاید جنسی و برای حقوق و موقعیت برابر با مردان در جامعه پیش رفته است.

مبارزات زنان بر علیه حجاب اجباری، شرکت وسیع زنان در سنگرهای مبارزه مسلحانه در کردستان علیه رژیم و نقش برجسته زنان در مبارزات توده‌ای، تظاهراتها، جنبش دانشجویی و در زندانها همه و همه شاهد جنبشی جدی و ریشه دار در میان زنان برای عدم تمکین به وضعیت و برای کسب حقوق خود است.

در عین حال مشکلات و ضعف هایی که این جنبش نیز همواره از آن رنج برده، مانع رشد و ارتقای آن بوده است. مبارزات زنان علیرغم وسعت و دامنه‌اش مبارزه‌ای پراکنده و غیر متشکل بوده است. عدم تشکیلات مستقل زنان، اگر چه توضیح اصلی‌اش را از اختناق و سرکوبگری رژیم می‌گیرد، و لیکن همچون کمبودی جدی در رشد و تکامل این جنبش هنوز بطور جدی در دستور فعالین این جنبش قرار نگرفته است. عدم تلاش جدی نیروها و گرایش‌های چپ و رادیکال برای رفع این نقیصه را هم باید به این ضعف افزود، چراکه علیرغم شرکت فعال زنان در این جریانها، متأسفانه امر رهایی زنان از جهنمی که رژیم برای آنها در جامعه ایران ایجاد کرده، هنوز جایگاه واقعی خود را در میان سازمانهای سیاسی هم نیافته و زنان در این تشکیلاتها امکان تمرکز و فعالیت کافی و بی‌دریغی را در راستای این امر پیدا نکرده‌اند.

با توجه به این نکات به نظر من عاجلترین وظیفه ای که در دستور همه فعالین جنبش زنان بویژه برای بخش رادیکال و چپ در اوضاع و احوال سیاسی کنونی قرار دارد، تلاش بی‌دریغ برای فراهم کردن شرایط و ملزومات تشکل مستقل و سراسری زنان است. تشکلی که نه در چارچوب سیاستها و منافع یک گروه خاص بلکه امر رهایی زن را در مفهومی کلی‌تر و توده‌ای‌تر در دستور دارد. آنچه بر زنان در جامعه ایران می‌گذرد متأسفانه هنوز با آرمان خواهی ما فاصله زیادی دارد و زن ایرانی از ابتدایی‌ترین حقوق خود بی‌بهره است. خواست آزادی پوشش و ایستادگی در مقابل حجاب اجباری یکی از این عرصه هاست که می‌تواند پلاتفرم

همکاری و همبستگی طیف وسیعتری از زنان را حتی با گرایش‌ها و تعلقات فکری و سیاسی گوناگون دامن بزند و ملزومات تشکلات مستقل و فراگیر زنان را بوجود بیاورد.

در کنار این مسئله فعالیت گسترده افشاگرانه در خارج ایران و فشار به رژیم از کانال مجامع بین‌المللی امری است که می‌تواند در دستور کار همه مدافعین جنبش زنان در خارج کشور قرار گیرد. استفاده از تریبونهای بین‌المللی و توسل به اتحادعمل‌ها و کمپین های سراسری که دربرگیرنده همه فعالین این عرصه باشد، بدون شک بسیار موثرتر از فعالیت تحت نام بخش زنان سازمانهای سیاسی است. ■

صدیقه محمدی:

پس از قیام ۵۷ طولی نکشید که اندک دستاوردهایی که زنان کسب کرده بودند از طرف رژیم جمهوری اسلامی مورد تعرض قرار گرفت و آپارتاید جنسی و خشونت قانونی علیه زنان به سیاست اصلی رژیم تبدیل گردید. حجاب اجباری، نداشتن حق طلاق و حضانت کودکان، سنگسار زنان و... نموده‌ای تحمیل این وضعیت اسفبار بر زنان از طرف رژیم اسلامی است، که از همان نخستین روزهای استقرارش تاکنون بموازات با مقاومت و مبارزه زنان روبرو بوده و با وجود اعمال شدیدترین و ارتجاعی‌ترین سرکوب و خشونت بر زنان رژیم هنوز نتوانسته سیاستهای ارتجاعی‌اش را به تمامی بر آنها تحمیل کند.

طرح جداسازی زنان از مردان در همه عرصه‌ها، در چادر و چاقچور پیچیدن و خانه نشین کردن آنان سیاست رژیم در دو دهه گذشته بوده است. و این نه مختص جناحی از رژیم بلکه ویژگی رژیم با همه جناحها و گرایش‌ها درونی‌اش بوده است. خاتمی «اصلاح‌طلب» در گفتگویی با مجله زنان می‌گوید: «کار زنان نگهداری از شوهر و بچه‌هایشان است، اگر زنی علاوه بر این وظیفه اصلی بتواند در بیرون هم کار کند و نانی به سفره خانواده بیفزاید چه بهتر!» رژیم در قبال پرورش کودکان هیچ وظیفه‌ای برای خود قائل نیست هیچ بیمه ای برای زنان خانه دار ندارد. زن

صبح تا شب جان می‌کند از شیر به جانش به کودک میدهد. پخت و پز، دوخت و دوز و شست و شو و رفت و روب تا هنگام خواب ادامه دارد بدون اینکه پیشیزی درآمد داشته باشد. معمولاً این زنان بیکار شمرده میشوند چون شوهر و جامعه پولی بابت کارشان نمی‌پردازد و حقوق بازنشستگی ندارند. مضافاً اینکه استقلال اقتصادی که یکی از شرط های اساسی رهایی زن است هیچگاه برای این گروه از زنان فراهم نمی‌گردد.

دختران جوان کم سواد و بی‌سواد که در کارگاه قالی‌بافی کار می‌کنند، کارگران کوره‌پزخانه، کارگاهها و کارخانه های کوچک و بزرگ، زنان خانه‌دار با سواد و بی‌سواد، زنان زحمتکش روستاها که وظیفه‌شان خانه داری و کار کشاورزی همدوش مردانشان است و عده زیادی از زنان شاغل، باسواد و روشنفکرند. لذا با توجه به پراکندگی و تنوع مسائل و مشکلات زنان، پیدا کردن یک «چه باید کرد» برای همه زنان کاری مشکل است و زنان طبقات و اقشار مختلف اجتماعی خواست‌ها، استراتژی و مکانیسم‌های متفاوتی برای نشان دادن اعتراض و ناراضی‌های خود دارند.

بدلیل فقر و تنگدستی در جامعه ایران بسیاری از خانواده‌ها از عهده هزینه به مدرسه فرستادن کودکان بخصوص دختران بر نمی‌آیند و آنانرا از کودکی به کار قالیبافی و امثال آن وا میدارند تا کمک هزینه‌ای به درآمد خانواده بیفزایند. فقر، ناامیدی و بی‌آیندگی در کنار فرهنگ عقب افتاده ای که بدرفتاری خانواده‌ها در برخورد به جوانان بویژه دختران را به‌همراه دارد، باعث فراری شدنشان از خانه شده و هر روز تعداد زیادی از آنان بدام باندهای فساد و فروش مواد مخدر و سکس افتاده و یا کشته شده و جنازه‌هایشان پیدا می‌شود. در مقابل این وضعیت دردناک، زنان به اشکال مختلف برای تغییر قوانین ارتجاعی و مردسالارانه، آزادی شغل و حق انتخاب پوشش، بر علیه



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بمناسبت ۸ مارس روز جهانی

رهایی بشریت بدون مبارزه‌ای پیگیر برای رهایی نیمی از آن که به "جرم" زن بودن در بند ستم و استثمار مضاعف است امری غیرممکن است.

۹۱ سال از زمانی که کلارازتکین «روز جهانی زن» را پیشنهاد کرد می‌گذرد، از آن زمان، این روز به مظهر مبارزه برای حقوق نیمی از بشریت که در موقعیت «جنس دوم» است، در سراسر جهان تبدیل گردید. اگر این امر در آن زمان، اعلام عزم راسخ زنان و مردان آزاده برای مقابله با سنن و قوانین قرون وسطایی بود و حاصل آن طی چندین دهه، دستاوردهایی در راستای قرار دادن زنان در موقعیت مناسبتی در جوامع پیشرفته صنعتی گردید، ولی هنوز و در آغاز هزاره سوم، تبعیض بر اساس جنسیت اولاً در این جوامع هم واقعیتی غیرقابل انکار است و ثانیاً و بدتر در کشورهای توسعه نیافته و فقیر، وضع براتب عقبتر و زنان کماکان جنس فرودست و تحقیر شده محسوب می‌شوند و در مجموعه‌ای از قید و بند و قوانین ارتجاعی، مردسالارانه و مذهبی محصور هستند. موقعیت زنان در این جوامع نه تنها تغییر جدی‌ای پیدا نکرده، بلکه بعنوان مثال در کشوری مانند ایران، زن ستیزی و آپارتاید جنسی تمام عیار بر زنان از طرف رژیم جمهوری اسلامی اعمال می‌شود و این بردگی و اسارت با ضدانسانی‌ترین قوانین و آئین مذهبی و آداب و رسوم عقب مانده بر آنها تحمیل می‌گردد. براین اساس اگر امر مبارزه برای رهایی زنان و برای حقوق و شرایط برابر زنان با مردان در کار و تولید و جامعه کماکان امری مبرم و جهانی است، این امر در جوامعی همچون ایران اولویت و مبرمیت بیشتری داشته و وظیفه بیشتری را در مقابل همه انسانهای کمونیست، آزادیخواه و فعالین جنبش زنان قرار می‌دهد. اگر مبارزه و ایستادگی زنان در برابر بیش از دو دهه ارتجاع مذهبی در ایران، واقعیتی غیرقابل انکار است، ولی پراکندگی، بی‌سازمانی هنوز کمبود جدی این جنبش است. کمبودی که اجازه نداده علیرغم پتانسل‌های بالای آن، اولاً در راستای تثبیت سنت‌ها و دستاوردهای این مبارزات و ثانیاً در جهت هماهنگی و همسویی بیشتر با مبارزات کارگری و توده‌ای بر علیه ارتجاع مذهبی - بورژوازی حاکم بر ایران، گامهای اساسی برداشته شود. از تریبونهای ۸ مارس که فرصتی است برای اعتراض بشریت آگاه در چهار گوشه جهان بر علیه تبعیض جنسی، با افشا و ابراز تنفر و انزجار از آپارتاید جنسی در ایران، پشتیبانی و حمایت بیدریغ خود را از مبارزه برای برچیدن قوانین ارتجاعی و تبعیض آمیز جنسی و پشتیبانی از حق برخورداری زنان از تشکلهای مبارز و پیگیر برای دفاع از حقوق خود، اعلام داریم.

ما در روز ۸ مارس همصدا با همه انسانهایی که بر علیه ستم و تبعیض طبقاتی و جنسی می‌رزمنند، عهد و پیمان خود را برای مبارزه در راه نابودی ریشه‌های این ستم و نابرابری‌ها تجدید می‌کنیم و نیرو و توانمان را همدوش همه رزمندگان راستین جنبش رهایی زنان قرار می‌دهیم.

در روز جهانی زن، صدا و اعتراض زنان ایرانی را بر علیه تحجر قرون وسطایی جمهوری اسلامی به گوش همه جهانیان برسانیم.

گرامی باد هشتم مارس روز پیکار جهانی بر علیه تبعیض و نابرابری جنسی

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۱ مارس ۲۰۰۱



جدا سازی‌ها و بطور روزمره با رژیم و فرهنگ مرد سالار حاکم بر جامعه در ستیز و مبارزه‌اند.

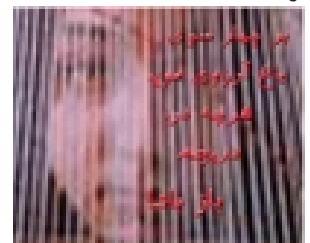
افزایش ارتباطهای داخل و خارج ایران و انتقال دستاوردهای مبارزات زنان در سطح جهان به زنان ایرانی، برگزاری کنفرانسها و سمینارهای جهانی بر سر مسئله زنان نیز به نوبه خود آنها را آگاهتر، دلگرمتر و امیدوارتر به مبارزه و اعتراض‌شان می‌کند.

متأسفانه در سطح کار آگاهگرانه و متشکل جنبش زنان ایران در داخل، هنوز مسئله توده‌ای و همه‌گیر نیست و زنان کماکان از تشکلهای مستقل و توده‌ای خود محرومند. دامنه فعالیت در این سطح به زنان روشنفکر که مجلات و محافل خود را در شهرهای بزرگ دارند، فعالیت انتشاراتی و یا فعالیت زنان در عرصه حقوق کودک و.. محدود است. و این یکی از دلایلی است که علیرغم شرکت وسیع و فعال زنان در همه جنبشها و مبارزات توده‌ای، سهم کمتر و محدودتری در رابطه با بهبود تحقق خواسته‌هایشان نصیب‌شان شده‌است.

اگر در امر تشکلهای یابی ضعف وجود دارد و لیکن مجموعاً زنان ایرانی بر آنچه بر آنها می‌رود واقف هستند و برای تغییر آن بطور روزمره در مبارزه‌اند. هیچ تبلیغاتی به اندازه این دو دهه حاکمیت جمهوری اسلامی نمیتوانست ماهیت مذهب و مردسالاری و قوانین ضد زن آنرا آشکار کند.

در شرایطی که بنیادهای ارتجاع پوسیده و قرون وسطایی رژیم بیش از هر زمانی زیر سؤال است، ما زنان دوش به دوش همه انسانهای آزاده میتوانیم ستونهای لرزان این رژیم را لرزانت‌ر کرده و آوار جمهوری اسلامی را فرو بریزیم.

ما باید دست در دست هم جامعه و دنیایی بسازیم که در آن که هر نوع ستم و استثمار تبدیل به افسانه شود.



کومه‌له در کردستان

دفتر نمایندگی کومه‌له
در سلیمانیه
Tel . 24760 - 25815
کمیته مرکزی کومه‌له
Tel. 00870-7623-82839
komalah@hotmail.com

صدای

حزب کمونیست ایران
هر شب: ۲۰/۳۰ - ۲۱/۳۰
صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

صدای انقلاب ایران

ظهرها: ۱۳ - ۱۴
عصرها: ۱۸ - ۱۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز
۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

آدرس‌های

حزب کمونیست ایران
و کومه‌له در خارج کشور

Communist party of Iran:
دبیرخانه

حزب کمونیست ایران
C.D.C.R.I.
Box 704 45

107 25 Stockholm - Sweden
Tel/Fax +46-08-86 80 54
E-mail: cpi@cpiran.org

International Bureau - CPI

دفتر روابط بین‌المللی
Box 1348

London WCIN 3XX
England

Tel: (44) 0385 94 08 16
Fax: (44) 0181 931 83 52
E-mail: ib@cpiran.org

Representation of Komala
abroad:

دفتر نمایندگی کومه‌له
در خارج کشور
K.K.

P.O.Box 75026
Box 750 26 Uppsala- Sweden
Tel/Fax: +46-18-46 84 93
E-mail: komala@cpiran.org

شماره تلفن و فاکس:

۹۳ ۸۴ ۴۶ - ۱۸ - ۰۰۴۶

ساعت‌های تماس:

برای طرح سوال و

دریافت جواب پیرامون تائیدیه‌ها

روزهای دوشنبه و جمعه

از ساعت ۷ تا ۹ شب به وقت اروپا

۰۰۴۶ - ۷۰۷۴۷۶۵۴۲

در بقیه موارد

روزهای سه شنبه و پنج شنبه

از ساعت ۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپا

۹۳ ۸۴ ۴۶ - ۱۸ - ۰۰۴۶

فاکس نمایندگی کومه‌له طی ۲۴ ساعت آماده

دریافت پیامهای شماست.

5 March 2001 . NO: 55

JE - P:O:Box 3015

145 03 Norsborg SWEDEN

Editor: Halmat Ahmadian ✉ ha@cpiran.org

ایراد کرد. سپس اسامی سازمانهای که به همین مناسبت پیامهای شادباش فرستاده بودند اعلام گردید، که عبارت بودند از: سازمان فدائیان اقلیت (تشکیلات کانادا)، اتحاد فدائیان کمونیست (تشکیلات کانادا)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، اتحادیه میهنی کردستان (تشکیلات کانادا)، بخش نخست برنامه با اجرای چند شعر و سرود به پایان رسید.

بخش دوم برنامه ها با هنرنمایی، هنرمند سرشناس محمد جزاء و منیر ناری تا ساعت ۱ نیمه شب ادامه پیدا کرد و این مراسم در میان شور و شوق شرکت کنندگان پایان گرفت.



* در شماره قبلی جهان امروز گزارش برگزاری مراسم باشکوه و بی سابقه با شرکت ۱۰۰۰ نفر از نمایندگان جریانات سیاسی، دوستان و هواداران کومله و رفقای تشکیلاتی در اردوگاه مرکزی کومله که در آن حسن رحمانپناه عضو کمیته مرکزی کومله سخنرانی کرد را به اطلاع رساندیم. بر اساس خبری که از کمیته مرکزی کومله در کردستان بدستمان رسیده، همچنین مراسم روز کومله در اردوگاه پناهندگان ایرانی در رمادیه نیز به شکل بی سابقه‌ای با حضور جمعی بیش از ۱۰۰۰ نفر از پناهندگان، دوستان و هواداران کومله برگزار گردیده است. مشروح این گزارش و گزارش مربوط به برگزاری روز کومله در شهرهای کردستان را بعداً به اطلاع می رسانیم.



بعدازظهر مراسم آغاز گردید. عرفان مروت، کادر حزبی ضمن خوشامدگویی به شرکت کنندگان سخنانی در خصوص اوضاع سیاسی ایران و کردستان و مواضع کومله در قبال مسائل مهم سیاسی ایراد کرد. سپس پیامهای رسیده از جانب احزاب و سازمانهای ایرانی و کردستانی زیر به مناسبت ۲۶ بهمن روز کومله قرائت شد. بزوتنوبی بنیات نانی حزبی کربکاراتنی کمونیست، سازمان فدائیان (اقلیت)، سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزبی شیوعی عراق و کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران، کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (نهاد سیدنی).

مراسم با اجرای برنامه رقص و آوازهای شاد تا ساعتها ادامه داشت.

کانادا:

عصر روز شنبه ۲۴ فوریه شهر تورنتو شاهد برگزاری مراسم باشکوه روز کومله بود. این مراسم که هر ساله در ماه فوریه بمناسبت گرامیداشت سالگرد اعلام موجودیت علنی کومله برگزار می شود و به فرصت و مناسبتی برای اعلام پشتیبانی از سیاست رادیکال و سوسیالیستی در جنبش انقلابی کردستان تبدیل شده است امسال با شکوهر از سالهای گذشته در کانادا برگزار گردید.

مراسم که بیشتر از ۱۰۰۰ نفر از دوستان و مهمانان کومله در آن حضور داشتند، با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت بمناسبت گرامیداشت یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد. سپس صلاح مازوجی عضو کمیته مرکزی کومله در رابطه با جایگاه کومله، اوضاع سیاسی ایران و وظائف و اولیتهایی که در این رابطه بر دوش نیروهای سوسیالیست قرار می گیرد و همچنین سیاستهای کومله در کردستان سخنانی

(۲)



گزارش برگزاری گرامیداشت روز کومله

شاد و فولکوریک هنرنمایی کردند.

نروژ:

مراسم روز کومله روز شنبه ۱۷ فوریه ۲۰۰۱ در شهر اسلو با شرکت و حضور جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ نفر برگزار شد.

مراسم ابتدا با سرود انترناسیونال و دقیقه ای سکوت بیاد جانبختگان کمونیست شروع و سپس با سخنرانی ساعد وطن دوست عضو کمیته مرکزی کومله در باره اوضاع سیاسی ایران و جنبش کارگری در کردستان و توضیحاتی پیرامون انشعاب جمع محدودی از کادرهای کومله له ادامه یافت. در ادامه این برنامه پیام سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر، هسته اقلیت به مناسبت روز کومله قرائت گردید.

مراسم با دکلمه اشعار و سروهای انقلابی و همچنین ترانه های شاد و فولکوریک با حضور هنرمند اسعد رزازی تا پاسی از شب ادامه یافت که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.

استرالیا:

امسال نیز همچون سالهای گذشته، مراسم گرامیداشت روز کومله در شهر سیدنی بصورت پیک نیک در یکی از پارکهای خوش منظره و در هوای مطبوعی برپا گردید. از ساعات اولیه روز محل تجمع با پلاکاردها و اشعار مربوط به این روز و شعارهای حزبی تزئین شده بود. در حوالی ظهر جمعیت بتدریج به محل تجمع آمدند. بعداز صرف نهار در محل، ساعت ۲

در شماره قبلی جهان امروز گزارش برگزاری روز کومله دریوتبوری و استکهلم (سوئد) را ملاحظه کردید، در ادامه خلاصه‌ای از برگزاری این مراسم در کانادا، آلمان و نروژ را ملاحظه می کنید.

آلمان:

مراسم گرامیداشت روز کومله روز شنبه ۱۷ فوریه در شهر فرانکفورت با حضور جمع وسیعی از دوستان و کومله و نیروها و افراد چپ و آزادیخواه برگزار شد.

در این مراسم ابراهیم علیزاده، دبیر اول کومله روی مهمترین سیاست های کومله در بطن اوضاع و احوال سیاسی متحول ایران سخنرانی کرد. سپس پیام سازمانهای سیاسی و تشکلهای دموکراتیک زیر به مناسبت روز کومله قرائت گردید: تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان - اقلیت، شورای کار، حزب کار ایران (طوفان)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)، اتحاد فدائیان کمونیست، سازمان اتحاد فدائیان خلق - آلمان، انجمن کردها و آلمانیهها در فرانکفورت، هیئت اجرائی ارگان دموکراتیک ایران (امداد).

در بخش دوم مراسم که برنامه ای هنری بود، هنرمندان سرشناس لایلا فیریقی و رشید فیض‌نژاد با ترانه‌های